



فتح آگان

اساتید سیتادل^۱ که حافظان تاریخ وستروس^۲ هستند، در سیزده سال گذشته از فتح آگان به عنوان معیار استفاده کرده‌اند. تولدها، مرگ‌ها، نبردها و دیگر رویدادها یا با ب.ف (بعد از فتح) و یا با پ.ف (پیش از فتح) تاریخ‌گذاری می‌شوند.

اندیشمندان مطلع‌اند که چنین تاریخ‌گذاری‌ای از قطعیت به دور است. فتح هفت پادشاهی توسط آگان تارگرین^۳ در یک روز شکل نگرفت. بیش از دو سال میان روی کار آمدن آگان و تاج‌گذاری‌اش در اولدتاون^۴، فاصله برقرار است... و حتی آن هنگام نیز، فتح نیمه تمام به شمار می‌آمد؛ چرا که دورن^۵ مغلوب نشده باقی مانده بود. تلاش‌های پی‌درپی به منظور افزودن دورن به قلمرو فرمانروایی، در طول سلطنت آگان فاتح و همچنین پسرانش ادامه یافت و تعیین تاریخی دقیق برای پایان جنگ‌های گشایشی راه، غیرممکن نمود.

حتی تاریخ شروع نیز مسئله‌ای مورد بحث است. بسیاری به اشتباه باور دارند که سلطنت آگان تارگرین اول فاتح، از نخستین روزی که بر دهانه‌ی جریان بلک واتر^۶ قدم گذاشت، آغاز یافت.

^۱ Citadel

^۲ Aegon Targaryen

^۵ Dorne

^۲ Westeros

^۴ Oldtown

^۶ Blackwater

بر زیر سه تپه، جایی که بعدها شهر کینگزلندینگ^۱ بر آن واقع می‌گشت. اما نه دقیقا. روز ورود آگان توسط پادشاه و وارثانش جشن گرفته شد؛ اما فاتح به واقع، آغاز سلطنتش را روزی که تاج گذاری شد و در سپت درخشان^۲ اولد تاون، توسط سپتون اعظم^۳ معنویت تظهير گشت، تاریخ گذاری نمود. این تاجگذاری، دو سال پس از ورود آگان واقع گردید. درست زمانی که سه نبرد مهم جنگ‌های گشایشی پیش آمد و پیروز گشت. بنابراین، می‌توان دریافت که فتح حقیقی آگان در ۱-۲ پ.ف، پیش از فتح، رخ داد.

تارگرین‌ها دارای خون خالص ولریایی^۴، اربابان اژدهای اجداد کهن بودند. دوازده سال پیش از سقوط ولریا^۵ (۱۱۴ پ.ف) اینار تارگرین^۶ اموالش در فریهلد^۷ و سرزمین‌های لانگ‌سامر^۸ را فروخت و به همراه تمامی همسرانش، دارای، بردگان، اژدهایان، خواهران و برادران و خویشان و فرزندان، به سوی دراگون استون^۹، قلعه‌ی جزیره‌ی متروکه‌ی زیر کوهی مه‌گون در دریای باریک، رهسپار شد.

در دوران اوجش، ولریا، بزرگ‌ترین شهر دنیای مکشوف، مرکز تمدن بود. درون دیوارهای درخشان، چهل خاندان حریف، برای قدرت و افتخار در دربار و شورا، به رقابت پرداخته، در تقلائی بی پایان، حيله‌گرانه و غالبا وحشیانه برای چیرگی، فراز و فرود داشتند. تارگرین‌ها^{۱۰} از عنوان قدرتمندترین اربابان اژدها بسیار دور بودند و رقبایشان، کوچ آنها به دراگون استون را نوعی تسلیم و بزدلی می‌دیدند. اما دختر مجرد لرد اینار، دینیس^{۱۱}، که بعدها همواره با عنوان دینیس رویابین شناخته می‌شد، نابودی ولریا توسط آتش را پیشگویی کرده بود و وقتی سقوط آن دوازده سال بعد فرا رسید، تارگرین‌ها، تنها اربابان اژدهای نجات یافته محسوب می‌شدند. دراگون استون به مدت دو قرن، غربی‌ترین پایگاه قدرت ولریایی بوده است. مقر آن در مقابل آب گذر، برای لردهایش تسلط بر خلیج بلک واتر را فراهم می‌ساخت و هردوی تارگرین‌ها و نزدیک‌ترین هم پیمانانشان، ولاریونی‌های^{۱۲} دریفت مارک^{۱۳}، (خاندانی کوچک تر از نسل

^۱ King's Landing

^۲ Starry Sept

^۳ High Septon

^۴ Valyrian

^۵ Valyria

^۶ Aenar Targaryen

^۷ Freehold

^۸ Lands of the Long

^۹ Dragonstone

^{۱۰} Targaryens

^{۱۱} Daenys

^{۱۲} Velaryons

^{۱۳} Driftmark

ولاریون) را قادر می‌کرد که خزانه‌هایشان را توسط معاملات گذری، پر کنند. کشتی‌های ولاریونی، همراه با کشتی‌های دیگر خاندان‌های ولریایی متحد، سلتیگارهای^۱ جزیره کلا،^۲ بر بخش‌های میانی دریای باریک تسلط داشتند و در همان حال، تارگرین‌ها با اژدهایانشان بر آسمانها، فرمانروایی می‌کردند.

با این حال، در قسمت اعظمی از یک قرن پس از سقوط ولریا، (که به درستی قرن خون نامیده شده)، خاندان تارگرین توجهش را مشمول شرق و نه غرب کرد و به مسائل وستروس، توجه اندکی نشان داد. گیمن تارگرین^۳، برادر و همسر دنیس رویابین، به دنباله اینار مهاجر، لرد دراگون استون گشت و به عنوان گیمن پرجلال، شناخته شد. پسر گیمن، اگان و دختر او الینا^۴، بعد از مرگش با یکدیگر حکومت را به دست گرفتند. پس از آنها، فرمانروایی به پسرشان میگن^۵، برادرش اریس^۶ و پسران اریس، الیکس^۷، بیلون^۸ و دمیون^۹ رسید. آخرین از آن سه برادر دمیون بود که پس از او پسرش، اریون^{۱۰} بر دراگون استون حکومت کرد.

اگانی که بعدها توسط تاریخ به عنوان اگان فاتح و اگان اژدها شناخته شد، ۲۷ پ.ف در دراگون استون متولد گشت. او تنها پسر و دومین فرزند اریون، لرد دراگون استون و بانو ولینا^{۱۱} از خاندان ولاریون، نیمه تارگرینی از سمت مادری، بود. اگان دو خواهر پاکزاد داشت؛ یک خواهر بزرگتر، ویسنیا^{۱۲} و یک خواهر کوچک‌تر، رینیس^{۱۳}. رسمی قدیمی در میان اربابان اژدهای ولریا بود که برادر با خواهرش ازدواج کند تا پیوند خونی خالص بماند؛ اما اگان هر دو خواهرش را به همسری برگزید. بنا به رسم، انتظار می‌رفت که فقط با خواهر بزرگ ترش، ویسنیا ازدواج کند. برگزیدن رینیس به عنوان همسر دومش اگرچه نه بی سابقه؛ اما غیرمعمول می‌نمود. توسط برخی نقل شده که اگان با ویسنیا از سر وظیفه و با رینیس از سر علاقه ازدواج کرد.

^۱ Celtigars

^۲ Claw Isle

^۳ Gaemon Targaryon

^۴ Elaena

^۵ Maegon

^۶ Aerys

^۷ Aelyx

^۸ Baelon

^۹ Daemion

^{۱۰} Aerion

^{۱۱} Valaena

^{۱۲} Visenya

^{۱۳} Rhaenyra

هر سه خواهر و برادر پیش از ازدواج، ارباب اژدها بودن خود را ثابت کردند. از پنج اژدهایی که همراه اینار مهاجر از ولریا به پرواز درآمد، تنها یکی تا دوران اگان زنده مانده بود: هیولایی بزرگ به نام بلریون^۱، خوف سیاه. اژدهایان، ویگار^۲ و مراکسس^۳، جوانتر بودند و در خود دراگون استون سر از تخم بیرون آوردند.

افسانه ای رایج، اغلب شنیده شده میان ناآگاه‌ترینان، مدعیست که اگان تارگرین تا زمانی که بادبانش را برای فتح وستروس برنیفراشت، هرگز بر خاک آن پا نگذاشته بود؛ اما این نمی‌تواند حقیقت داشته باشد. سالها پیش از کشتیرانی، میز رنگ آمیزی شده به دستور لرد اگان، تراشیده و تزئین گشته بود: تخته چوبی عظیم، حدودا پنجاه فوت عرض، تراشیده شده به شکل وستروس و رنگ آمیزی شده به منظر نمایش دادن تمام جنگل‌ها، رودخانه‌ها، شهرها و قلعه‌های هفت پادشاهی. واضح است که علاقه اگان به وستروس از وقایعی که او را راهی جنگ ساخت، پیشی می‌گیرد. همچنین، گزارش‌های موثقی مبنی بر بازدید اگان و خواهرش ویسینیا از سیتادل اولدتاون در جوانیشان و بازپرانی در علفزارهای آن به عنوان میهمانان لرد ردواین^۴، وجود دارند. ممکن است از لنیسپورت^۵ هم دیدن کرده باشد؛ روایات متفاوتند.

وستروس جوانی اگان به هفت قلمرو ستیزه جو تقسیم می‌گشت و به ندرت پیش می‌آمد که دو یا سه قلمرو از آنها با یکدیگر در جنگ نباشند. شمال عظیم، سرد و سنگدل، توسط استارک‌های^۶ وینترفِل^۷ فرمانروایی می‌شد. در صحراهای دورن، شاهزادگان مارتل^۸ سلطه داشتند. بر سرزمین‌های غربی غنی از طلا، لنیسترهای^۹ کسترلی راک^{۱۰} و بر ریج^{۱۱} حاصلخیز، گاردنرهای^{۱۲} های‌گاردن^{۱۳} چیره بودند. ویل^{۱۴}، فینگرز^{۱۵} و کوههای مون^{۱۶} به خاندان ارین^{۱۷}

^۱ Balerion

^۲ Vhagar

^۳ Meraxes

^۴ Redwyne

^۵ Lannisport

^۶ Starks

^۷ Winterfell

^۸ Martell

^۹ Lannisters

^{۱۰} Casterly Rock

^{۱۱} Reach

^{۱۲} Gardeners

^{۱۳} Highgarden

^{۱۴} Vale

^{۱۵} Fingers

^{۱۶} Mountains of

Moon

^{۱۷} Arryn

تعلق داشتند... اما متخصص ترین پادشاهان دوران اگان، آنهایی بودند که قلمروشان بیشترین نزدیکی را به دراگون استون داشت، هرن سیاه^۱ و آرگلاک^۲ متکبر.

زمانی پادشاهان استورم^۳ خاندان دوراندون^۴ از ارگ بزرگشان، استورمزاند^۵، بر نیمه ی شرقی وستروس از دماغه راف^۶ تا خلیج کرپز^۷ حکومت می کردند؛ اما قدرتشان قرن ها در حال کاهش بود. پادشاهان ریچ به حیطة شان در غرب دست درازی می کردند، دورنی ها از جنوب عاجزشان می نمودند و هرن سیاه و مردان آهنینش، از تریدنت^۸ و سرزمین های شمال جریان بلک واتر، به آنها فشار می آوردند. شاه آرگیلاک، آخرین از دوراندون ها، مدتی این روند نزولی را متوقف ساخت. اگرچه هنوز پسرکی جوان بود، پاسخ حمله دورنی ها را داد و از دریای باریک گذشت تا به اتحاد بزرگ علیه سلطنت طلبی «ببرهای» ولانتیس^۹، بپیوندد و بیست سال بعد، گارس گاردنر^{۱۰} هفتم، پادشاه ریچ را، در نبرد سامرفیلد^{۱۱}، هلاک ساخت. اما آرگیلاک پیر شد، یال سیاه نامیش خاکستری و زبردستیش ناپدید گشت.

در شمال بلک واتر، سرزمین های ریور^{۱۲} توسط دستان خونخوار هرن سیاه از خاندان هور^{۱۳}، شاه ایلز و ریورز^{۱۴}، حکومت می شدند. جد آهن زاده ی هارن، هاروین هاردهند^{۱۵}، تریدنت را از جد آرگیلک، ارک^{۱۶}، کسی که اجداد خودش، قرن ها پیش آخرین پادشاهان ریور را از سر راه برداشته بودند، ستاند. پدر هرن، قلمرواش را تا شرق داسکندیل^{۱۷} و رزی^{۱۸} گسترش داد. خود هارن بیشتر حکومت طولانی، نزدیک به چهل سال را وقف ساخت قلعه ای عظیم الجثه نزدیک چشم خدایان^{۱۹} نمود؛ اما پس از فرجام نهایی نزدیک هرنهال^{۲۰}، آهن زاده به زودی برای کشف گشایش های دیگر، آزاد می گشت.

^۱ Black Harren

^۸ Trident

^{۱۵} Harwyn Hardhand

^۲ Argilac

^۹ Volantis

^{۱۶} Arrec

^۳ Storm

^{۱۰} Garse Gardener

^{۱۷} Duskendale

^۴ Durrandon

^{۱۱} Summerfield

^{۱۸} Rosby

^۵ Storm's End

^{۱۲} Riverlands

^{۱۹} God's Eye

^۶ Cape Wrath

^{۱۳} Hoare

^{۲۰} Harrenhal

^۷ Bay of Crabs

^{۱۴} Isles and the Rivers

هیچ پادشاهی در وستروس، بیشتر از هرن سیاه، مورد بیم واقع نبود. آنکه بی رحمی اش در سراسر هفت پادشاهی^۱، زبازد گشت. و هیچ پادشاهی در وستروس بیشتر از آرگیلاک، پادشاه استورم، آخرین دوردون، احساس مخاطره نکرد. جنگجویی پا به سن گذاشته که تنها وارث او، دخترک مجردش بود. بنابراین، اینگونه شد که شاه آرگیلک به سراغ تارگرین‌های دراگون استون رفت و به لرد اگان، دخترش را برای ازدواج، همراه تمام زمین‌های شرقی چشم خدایان، از تردنت تا جریان بلک واتر به عنوان جهاز، عرضه داد.

اگان تارگرین به درخواست پادشاه استورم، پشت پا زد. اشاره کرد که دو همسر داشته و به سومی نیازی ندارد. و زمین‌های جهاز پیشنهادی، بیشتر از یک نسل بود که به هرنهال تعلق داشتند. سهم آرگیلاک نبودند که ببخشند. صراحتاً، پادشاه سالخورده استورم، قصد داشت که با قرار دادن تارگرین‌ها در کرانه ی بلک واتر، حائلی میان سرزمین‌های خودش و هارن سیاه، برقرار سازد.

لرد دراگون استون، در مقابل، پیشنهادی از خودش ارائه نمود. او زمین‌های جهازی پیشکشی را می‌پذیرفت تنها در صورتی که آرگیلک همچنین هوک مسی^۲ و جنگل و جلگه‌های جنوب بلک واتر تا رود وندواتر^۳ و بالارود مندر^۴ را واگذار نماید. این پیمان با ازدواج دختر آرگیلک و اوریس باراتیون^۵ سلحشور و دوست کودکی لرد اگان، نهایی می‌شد.

این شرایط را آرگیلاک متکبر با عصبانیت رد کرد. زمزمه بود که اوریس باراتیون برادر ناتنی زنازاده لرد اگان است و پادشاه استورم با سپردن دخترش به دستان یک حرامزاده، به او بی حرمتی نمی‌کرد. صرف این پیشنهاد، غضبناکش می‌ساخت. آرگیلاک سپرد که دستان فرستاده اگان بریده شود و در جعبه برایش بازگردد. «اینها تنها دستانی‌اند که از من به حرامزاده ات می‌سد.» این چنین نوشت.

اگان پاسخی نداد. در عوض، دوستان، پرچم داران و متحدان مهمش را احضار نمود تا به درگاهش در دراگون استون مشرف شوند. تعدادشان کم بود. ولاریون‌های دریافت مارک به خاندان تارگرین سوگند خورده بودند. همچنین سلتیگارهای جزیره کلا. از هوک مسی، لرد بار

^۱ Seven Kingdoms

^۲ Wendwater

^۵ Orys Baratheon

^۲ Massey's Hook

^۴ Mander

امون^۱ از شارپ پوینت^۲ و لرد مسی^۳ از استون دنس^۴، هر دو قسم خورده استورمزاند به شمار می‌آمدند، اما بنا بر پیوند نزدیک ترشان با دراگون استون، حاضر شدند. لرد اگان و خواهرانش با آنها به مشورت پرداختند و از قلعه سپت بازدید کردند تا به درگاه هفت خدای وستروس نیز دعا کنند؛ اگرچه که پیش از این، هرگز مردی پرهیزکار به شمار نمی‌آمد.

در روز هفتم، ابری از کلاغ‌ها از برج‌های دراگون استون برای رساندن کلمات اگان به گوش هفت پادشاهی وستروس، هجوم آوردند. به سوی هفت پادشاه پرواز کردند. به سوی ارگ اولدتاون، لردهای بزرگ و کوچک. همگی با یک پیام: از امروز به بعد، تنها یک پادشاه در وستروس خواهد بود. آنها که در مقابل اگان از خاندان تارگرین زانو زنند، زمین‌ها و مقامشان را حفظ خواهند کرد. آنها که دست نبرد خود را مقابل او بالا بگیرند، مغلوب، سرافکنده و نابود خواهند شد.

روایات در اینکه چند شمشیر همراه اگان و خواهرانش از دراگون استون، سوار بر کشتی شدند، متفاوت است. برخی می‌گویند سه هزار و از نظر برخی دیگر چند صد نفر. این قشون محقرانه تارگرین‌ها در دهانه جریان بلک واتر، بر ساحل شمالی، جایی که سه تپه‌ی جنگلی روی یک روستای کوچک ماهیگیری سر بلند می‌کردند، لنگرانداختند.

در دوران صد پادشاهی، پادشاهان تنگ نظر بسیاری ادعای حاکمیت بر دهانه رود نمودند. من جمله شاهان دارکلین^۵ از داسکندیل، مسی‌های استون دنس و شاهان ریور کهن، چه مادها^۶ باشند، چه فیشرها^۷، برکن‌ها^۸، بلک وودها^۹، یا هوک‌ها. برج‌ها و دژها در مواقع مختلفی تاجی بر سر سه تپه نهادند، تا نهایتاً در یک جنگ یا جنگی دیگر، مغلوب گردند. اکنون تنها پاره سنگ‌ها و خرابه‌های انبوه برای خوشامدگویی تارگرین‌ها، باقی مانده بودند. اگرچه توسط هرودی استورمزاند و هرنهال مطالبه شده بود، دهانه رودخانه حفاظی نداشت و نزدیک‌ترین قلعه‌ها توسط لردهای پایین رده و بدون هیچ قدرت و مهارت نظامی اداره می‌شدند و مضاف بر اینکه لردها دلیل کمی برای عشق به سرور نامیشان، هرن سیاه داشتند.

^۱ Bar Emmon

^۴ Stonedance

^۷ Fishers

^۲ Sharp Point

^۵ Darklyn

^۸ Brackens

^۳ Massey

^۶ Mudds

^۹ Blackwoods

اگان تارگرین به سرعت، یک پرچین چوبی و خاکی به دور بلند ترین آن سه تپه برپا نمود و خواهرانش را برای حفظ فرمانبرداری نزدیک ترین قلعه ها، اعزام کرد. رزبی بدون هیچ جنگی تسلیم رینیس و مراکسس چشم طلایی شد. در استاک ورث^۱، چند زن کماندار تیرهایشان را به سمت ویسنیا رها ساختند؛ تا اینکه شعله‌های ویگار سقف قلعه ها را فروزان نمود. آنگاه، آنها نیز تسلیم گشتند.

نخستین چالش واقعی فاتح، از سوی لرد دارکلین و لرد موتن^۲ از میدن پول^۳ برقرار گشت. کسانی که با پیوند قدرتشان، سه هزار مرد را برای راندن و بازگرداندن مهاجمان به سمت دریا، روانه ساختند. اگان، اوریس باراتیون را فرستاد تا به آنها حین رژه، در حالی که خودش از بالا همراه خوف سیاه سرازیر می‌شود، حمله کند. هر دوی لردها در نبرد یک طرفه‌ی متعاقب آن، کشته شدند. سپس، پسر دارکلین و برادر موتن، قلعه‌هایشان را تسلیم نمودند و به خاندان تارگرین، سوگند شمشیر خوردند. در آن زمان، داسکندیل بندرگاه مرکزی وستروس بر دریای باریک محسوب می‌شد و از داد و ستدی که در بندرش رواج داشت، فربه و ثروتمند گشته بود. ویسنیا تارگرین اجازه نداد که شهر به غارت برود؛ اما برای مطالبه غنایم و خزانه‌های شدیداً مملو فاتحان، درنگ نکرد.*

اکنون، یحتمل، زمان درخوری است که شاخصه‌های متفاوت اگان تارگرین و خواهران و ملکه‌هایش را بررسی نماییم.

ویسنیا، ارشد برادر و خواهرها، به‌اندازه اگان، جنگاور بود. همانقدری در زره احساس راحتی می‌کرد که در ابریشم. او دراز شمشیر بلک سیستر^۴ را حمل می‌نمود و بنابر آموزش‌های همراه برادرش در زمان کودکی، در استفاده از آن، مهارت داشت. اگرچه صاحب موی نقره-طلایی و چشمان بنفش ولریایی بود، زیبایی او، شکلی زننده و خشک و سرد داشت. حتی آنها که بیش از همه دوستش می‌داشتند، ویسنیا را عبوس، جدی و بی گذشت می‌یافتند؛ برخی می‌گفتند که او با زهرها سر و کار داشت و گه گاه به سحر و جادو، سرکی می‌کشید.

^۱ Stokeworth

^۲ Maidenpool

^۳ Mooton

^۴ Dark Sister

رینیس، جوان ترین سه خواهر و برادر، تمام آنچه بود که خواهرش نبود. بازیگوش، کنجکاو، عجول، درگیر خیالات واهی. نه یک جنگجوی واقعی، رینیس عاشق موسیقی، رقص و شعر بود و از بسیاری آوازه خوانان، هنرپیشگان و عروسک گردانان، حمایت می کرد. باینحال، گفته شده که رینیس مدت بیشتری را بر پشت اژدها از خواهر و برادرش روی هم، می گذراند؛ چرا که بالغ بر هرچیز دیگری، او شیفته پرواز بود. یکبار شنیده شد که گفته می خواهد پیش از مرگش با مراکسس بر آنسوی دریای غروب، به پرواز درآید تا آنچه را که بر ساحل غربیش نهفته، ببیند. اگرچه هیچکس پایندی ویسینیا به برادر-همسرش را زیر سوال نمی برد، رینیس اطراف خود راه، مملو از مردان جوان خوش سیما کرده بود و (زمزمه شده) حتی بعضی راه، حین شبهای وقت گذرانی اگان با خواهر بزرگ ترش، در خوابگاه خود، سرگرم می ساخت. با اینحال، علی رغم این شایعات، ناظران دربار نمی توانستند تکذیب کنند که پادشاه به ازای هر شب با ویسینیا، ده شب را با رینیس می گذراند.

شخص اگان تارگرین، در کمال تعجب، همانقدری برای ما معماست که برای هم دوره گانش بود. مسلح به بلک فایر^۱، خنجر فولادی ولریایی، او از بزرگ ترین سلحشوران زمان خودش به شمار می رفت و باینحال، هیچ علاقه ای به غلبه با دستان نشان نمی داد و هیچگاه در مبارزه و ستیزه شرکت نمی کرد. سواری اش بلریون، خوف سیاه بود؛ اما آن را تنها به قصد نبرد یا سفری بدون معطلی به آن سوی سرزمین و دریا، به پرواز درمی آورد. هیبت قاطعش، مردان را به سوی علمش جذب می نمود؛ با اینحال، جدای از اوریس باراتیون، همراه جوانیش، دوست نزدیکی نداشت. زنان جذبش می شدند؛ اما اگان همواره به خواهرانش وفادار می ماند. به عنوان پادشاه، اعتماد بسیاری به شورای کوچک و خواهرانش داشت و بخش عمده حاکمیت روزانه بر قلمرو را به آنها می سپرد... باینحال، هنگام نیاز، در به دست گرفتن زمام امور، درنگ نمی کرد. اگرچه سختگیرانه به شورشیان و خائنان رسیدگی می نمود، در برابر مخالفان اسبقی که مقابلش زانو می زدند، گشاده دست بود.

^۱ Blackfyre